

رسالة محمد



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

مرکز تهران غرب

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته علوم سیاسی

گروه علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

بررسی رابطه بین فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در خاورمیانه

فهیمة زندگی

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا حاتمی

استاد مشاور:

دکتر کاوه امیرخانی

دی ماه ۱۳۹۳

تعهدات

اینجانب **فهیمة زندگی** دانشجوی ورودی سال ۹۰/۹۱ مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود ار تفکر و ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و مأخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

فهیمة زندگی

۱۰ دی ماه ۹۳

اینجانب **فهیمة زندگی** دانشجوی ورودی سال ۹۰/۹۱ مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل گواهی می نمایم چنانچه بر اساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و ... به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

فهیمة زندگی

۱۰ دی ماه ۹۳

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج تحقیقات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد.

فهیمة زندگی

۱۰ دی ماه ۹۳

تقدیم به:

- تقدیم به اندیشه هایی که در راه اعتلای ارزش های انسانی و علمی این مرز و خاک، با نگاهی جاودانه و مقدس و صادقانه گام بر می دارند.

- تقدیم به دستانی که نوشتن و اندیشیدن تعلیم می دهند و راه بر مشتاقان می نمایند.

- تقدیم به نگاه های روشن بینی که بیراهه را خط بطلان می کشند و عاشقان اندیشه را رهنمود راه درستند.

- تقدیم به صبوری افکار آزاده ای که هدفشان دیدن میهن و سرزمین خویش بر بلندای افتخار انسانی و علمی است.

.
. .
.

- تقدیم به اساتید بزرگوام :

جناب آقای دکتر محمدرضا حاتمی که هر لحظه مرا یار بود و استاد و با تفکری درست قلمم را درین راه به پیش بردند.

جناب آقای دکتر کاوه امیر خانی که کلامشان نگاهی جدید در ذهنم روشن ساخت و شعله های امیدی دیگر را در من زنده گرداندند.

- و تشکر ویژه دارم از جناب آقای دکتر جلال درفشه که به عنوان داور وقت خویش را در اختیار بنده قرار دادند.

چکیده

منطقه خاورمیانه کشورهای بسیار متنوعی را در بر می گیرد، در چند دهه اخیر که دیگر مناطق در حال توسعه توانستند پیشرفت های مهمی در راستای توسعه سیاسی داشته باشند، خاورمیانه همچنان حرکت کندی را به سوی توسعه سیاسی داشته است. اخیراً جنبش های اجتماعی جدید در این منطقه ظهور کرده و پویای های دموکراتیک - فروپاشی حکومت های دیکتاتوری مانند لیبی، تونس و تحولات کشورهای حاشیه خلیج فارس - در نتیجه توسعه سیاسی شتاب بیشتری به خود گرفته است. عمده این تحولات ناشی از تحول در فرهنگ سیاسی مردم منطقه و ایستارهای نوین نسبت به حاکمیت می باشد. فرآیند گسترش ارتباطات و جهانی شدن به نوعی فرهنگ سیاسی ملت های منطقه خاورمیانه را به سطح مشارکتی رسانده است. از این رو، بررسی رابطه میان فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در خاورمیانه از دیدگاه تئوریک اهمیت قابل توجهی دارد. هدف از پژوهش حاضر نمایان کردن رابطه میان فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در منطقه خاورمیانه با تأکید بر تحولات دموکراتیک اخیر می باشد. سوال اصلی پژوهش این است که چه رابطه ای میان فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در خاورمیانه وجود دارد. فرضیه پژوهش بیانگر این است که فرهنگ سیاسی رابطه معنی داری با توسعه سیاسی دارد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و متون معتبر، حاکی از این نتیجه است که در اثر تحول در فرهنگ سیاسی مردم منطقه خاورمیانه از سطح محدود به مشارکتی، توسعه سیاسی و فرآیند دموکراتیک شدن در این منطقه رشد شتابانی به خود گرفته است.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، فرهنگ، فرهنگ سیاسی، توسعه، توسعه سیاسی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- فصل اول (طرح تحقیق)
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- طرح مسأله
۵	۱-۳- اهمیت موضوع
۵	۱-۴- اهداف پژوهش
۵	۱-۵- پیشینه پژوهش
۹	۱-۶- سؤال اصلی پژوهش
۹	۱-۷- سؤالات فرعی:
۹	۱-۸- مفروض
۹	۱-۹- فرضیات پژوهش
۹	۱-۹-۱- فرضیه اصلی:
۹	۱-۹-۲- فرضیات فرعی:
۱۰	۱-۱۰- مفاهیم کلیدی
۱۵	۱-۱۱- روش تحقیق
۱۵	۱-۱۲- روش گردآوری
۱۵	۱-۱۳- سازماندهی پژوهش
۱۷	۲- فصل دوم (چارچوب نظری)
۱۸	۲-۱- مقدمه
۱۹	۲-۲- ماهیت فرهنگ سیاسی
۲۳	۲-۳- رویکردهای نظری به فرهنگ سیاسی
۲۳	۲-۳-۱- سنت روانشناسانه
۳۲	۲-۳-۲- سنت مردم شناسانه

۳۷	۲-۴-انواع فرهنگ سیاسی
۴۲	۲-۵-تحلیل ژئوپلیتیک فرهنگ سیاسی:
۴۴	۲-۶-انواع نظام‌های سیاسی بر مبنای فرهنگ سیاسی
۴۵	۲-۶-۱- نظام‌های سیاسی آنگلوآمریکا
۴۵	۲-۶-۲- نظام‌های سیاسی قاره اروپا
۴۵	۲-۶-۳- نظام‌های پیش صنعتی یا تاحدی صنعتی شده
۴۶	۲-۶-۴- نظام سیاسی توتالیتیر:
۴۷	۳-فصل سوم (تاریخ و ژئوپلیتیک خاورمیانه)
۴۸	۳-۱-مقدمه
۴۸	۳-۲-شکل‌گیری مفهوم خاورمیانه
۵۱	۳-۲-۱- شرایط اقلیمی منطقه خاورمیانه
۵۲	۳-۲-۲- فرهنگ مردم منطقه خاورمیانه
۵۶	۳-۲-۳- جغرافیای سیاسی
۵۸	۳-۲-۴- استعمارگرایی
۶۰	۳-۲-۵- پیدایش دولت‌های مدرن خاورمیانه
۶۳	۳-۲-۶- نفت
۶۶	۳-۲-۷- نفت و مرزهای خاورمیانه
۶۸	۳-۲-۸- منازعات اعراب و اسرائیل
۶۹	۳-۲-۹- ناسیونالیسم و جنبش‌های خاورمیانه
۷۲	۴-فصل چهارم (فرهنگ سیاسی خاورمیانه)
۷۳	۴-۱-مقدمه:
۷۳	۴-۲-ویژگی‌های فرهنگی خاورمیانه
۷۹	۴-۳-سابقه و باورهای فرهنگی - اسلامی در خاورمیانه
۸۳	۴-۴-جامعه مدنی و سازمان‌های اسلام‌گرا: (فرهنگ سیاسی اسلامی)
۸۶	۵-فصل پنجم (رابطه میان توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی در خاورمیانه)

۸۷	۱-۵-مقدمه:
۹۰	۲-۵-حضور فرهنگ سیاسی مردم سالار دینی
۹۲	۳-۵-اسلام، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی
۹۴	۴-۵-اضلاع توسعه سیاسی و تعمیم آن در خاورمیانه
۹۴	۱-۴-۵- ضلع نخست: دولت
۱۰۱	۲-۴-۵- ضلع دوم: شهروندی
۱۰۹	۳-۴-۵- ضلع سوم: جامعه مدنی
۱۲۶	۵-۵-نظریه های دموکراتیک شدن و وضعیت خاورمیانه
۱۳۱	۶-۵-چالش توسعه نیافتگی سیاسی در خاورمیانه
۱۳۴	۷-۵-دشواری های دموکراتیک سازی در خاورمیانه
۱۳۹	۸-۵-موانع توسعه سیاسی در خاورمیانه
۱۳۹	۱-۸-۵- ساختار سنت
۱۴۰	۲-۸-۵- ضعف جامعه مدنی و فرهنگی
۱۴۰	۳-۸-۵- عدم توسعه یافتگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
۱۴۱	۴-۸-۵- سازگاری یا ناسازگاری دین با دموکراسی
۱۴۲	۵-۸-۵- ساختار نظام های غیردموکراتیک خاورمیانه
۱۴۳	۹-۵-چالش های فرهنگی توسعه سیاسی در خاورمیانه
۱۵۳	۱۰-۵-زمینه های تحول سیاسی و فرهنگی در خاورمیانه در جهت نیل به توسعه سیاسی
۱۵۳	۱-۱۰-۵- تحول در ترکیب جمعیتی
۱۵۴	۲-۱۰-۵- تحول در فناوری ارتباطات
۱۵۸	۶-فصل ششم (نتیجه گیری)
۱۵۹	۱-۶-نتیجه گیری
۱۹۷	منابع و مأخذ:

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲-خرده فرهنگهای آرمانی در رهیافت نظریه فرهنگی با الهام از الگوی داگلاس	۳۴
جدول ۲-۲-انواع فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های آن	۴۲
جدول ۱-۳-درصد تمایز مذهبی گروه های قومی بر اساس مناطق مختلف.....	۵۴
جدول ۲-۳-درصد عوامل مذهبی در تعارضات قومی.....	۵۵
جدول ۳-۳-گستره تعارضات قومی(فوکس، ۲۰۰۱).....	۵۵
جدول ۳-۴-ذخایر و منابع احتمالی نفت خاورمیانه (به میلیارد بشکه). (IEA, 2002).....	۶۴
جدول ۳-۵-ذخایر اثبات شده، کشف نشده و رشد ذخایر (میلیون بشکه)(کردزمن، ۲۰۰۳).....	۶۵
جدول ۳-۶-ذخایر و تولید گاز خاورمیانه (کردزمن، ۲۰۰۳).....	۶۵
جدول ۳-۷-روابط تجاری میان اعراب در اواسط دهه ۱۹۹۰ به میلیارد دلار (اپک، ۱۹۹۶).....	۶۸

فهرست اشکال

عنوان	صفحه
شکل ۱-۳- نقشه خاورمیانه (قاسمی ۱۳۸۹).....	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
شکل ۲-۳- نقشه کشورهای خاورمیانه	۶۰

فصل اول

(طرح تحقیق)

۱-۱- مقدمه

خاورمیانه^۱ نسبت به دیگر مناطق جهان سوم، از روندهای مسلط جهانی در زمینه‌ی سیاسی به دور مانده است. آن چه خاورمیانه را نسبت به دیگر مناطق استثنا می‌سازد، نتیجه‌ی تجمع شماری از ویژگی‌های فرهنگی، قومی و مذهبی است که محیطی بسیار نامناسب و نامطلوب برای کثرت‌گرایی حقوقی و توسعه سیاسی و دموکراسی فراهم آورده است. رویدادهای کنونی در منطقه‌ی خاورمیانه، دیدگاهی را موجب شده است که برطبق آن، خاورمیانه در تطبیق با روند دمکراتیک شدن شتابان، بسیار کند و تاحدی مقاوم بوده است، این منطقه اساساً شاهد حکومت پیوسته رهبران اقتدارگرا بوده است.

تحولات سیاسی خاورمیانه طی سال‌های جنگ جهانی اول و دوم، متأثر از جریان‌های بین‌المللی و غربی شکل گرفت و حرکتی خودجوش و مستقل و از درون نبود، اما چون دموکراسی و توسعه سیاسی و دمکراتیک، نیازمند مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های شهروندان مانند تعادل، تساهل^۲، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت است، فرهنگ سیاسی عاملی مهم و اصلی در تحکیم توسعه سیاسی قلمداد می‌شود.

به گفته هانتینگتون^۳، عامل ناکامی دموکراسی و توسعه سیاسی در جوامع مسلمان، فرهنگ است که منبع این ناکامی، حداقل در بخشی از طبیعت نامساعد اجتماع و فرهنگ اسلامی نسبت به مفاهیم لیبرال غرب نهفته است (هانتینگتون، ۱۹۶۹: ۱۱۴).

^۱-Middle East

^۲-Tolerance

^۳-Huntington

۲-۱- طرح مسأله

شماری از اندیشمندان براین باور هستند که خاورمیانه به ندرت قابل تعریف است. به گونه ای که در متون جغرافیایی که بعد از جنگ جهانی اول و دوم منتشر شده‌اند، هیچ گونه توافقی در تعیین حدود و مرزهای خاورمیانه قابل مشاهده نیست. به طوری که گاهی در آن‌ها عنوان خاورمیانه حذف می‌گردد و به جای آن دو عنوان مجزا از هم به نام "شمال افریقا و خاور نزدیک"، مورد استعمال قرار می‌گیرد. اگر از خاورمیانه به عنوان یک ناحیه طبیعی برای انسان که در علم جغرافیا مورد نظر است یادکنیم، به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. با این همه به لحاظ جغرافیایی اغلب اندیشمندان اعتقاد دارند که ترکیه، ایران و همه کشورها و سرزمین‌های آسیایی که در جنوب این دو کشور واقع شده‌اند، به علاوه مصر به خاورمیانه تعلق دارند. فارغ از جغرافیای خاورمیانه امروزه آن چه این واژه را بر سرزبان‌ها انداخته است، موقعیت استراتژیکی و بحران‌های سیاسی درون آن می‌باشد. این واژه‌ها، خاورمیانه و پویش‌های درون آن با مفاهیمی هم چون بحران، شورش، تروریسم، سرکوب، حکومت‌های استبدادی و اختلافات قومی - مذهبی، هم چون جنگ‌های درون آن پیوندی مستحکم برقرار کرده است. بنابراین درون کاوی دوباره فرهنگ سیاسی این منطقه ضروری به نظر می‌رسد تا شاید بتوان پیوندی عمیق بین فرهنگ سیاسی حاکم در منطقه و تحولات سیاسی آن، برقرار کرد.

فرهنگ سیاسی اکثر گروه‌های حاکم در منطقه خاورمیانه، مبتنی بر نگرش پاتریمونالیستی^۴ (پادشاهی، موروثی، سنتی) است که به دلایل عمیق تاریخی و اجتماعی و روان‌شناسی، ریشه در «شیوه استبداد شرقی»^۵ دارد. مطابق این فرهنگ، مردم، اتباع حاکم تلقی شده و حقی برای رقابت و مشارکت سیاسی ندارند. فرهنگ «تابعیت»^۶ مقابل فرهنگ «مشارکت» است که در جوامع مدنی غرب وجود دارد. برطبق این فرهنگ «سیاست اغلب به معنای فن از میدان به درکردن دشمنان و رقبا» تلقی شده است تا به عنوان هنر جلب همکاری و سازش، حاکم از عنصر سنت و مذهب، قداست می‌گیرد

^۴-Patrymvnyalysty

^۵-Oriental despotism way

^۶-Nationality

ولی حدود سنت و مذهب، مانع «خودکامگی»^۷ وی می‌شود.

در فرهنگ سیاسی تابعیت، رفتارهای سیاسی افراد، ترکیبی است از فرصت طلبی، انفعال، کناره گیری، اعتراض پنهان و ترس، بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی، احساس عدم امنیت، سوءاستفاده بین افراد و چاپلوسی. «چنین فرهنگی، توانایی افراد در همکاری و اعتماد به یکدیگر را تضعیف می‌کند و بعید است که گروه‌های حاکمی که در فضای چنین فرهنگی پرورش یافته‌اند، بتوانند نسبت به گسترش مشارکت و رقابت در سیاست، دیدگاه مساعدی از خود نشان دهند».

چند پارگی‌های فرهنگی در تداوم فرهنگ سیاسی تابعیت و ممانعت از گسترش تفاهم و تساهل و هم‌پذیری گروه‌های اجتماعی نیز تأثیر داشته است. شکاف میان گروه‌های «سنت‌گرا» و گروه‌های «مدرنیست» نمونه‌ای از همین چندپارگی‌های فرهنگی است.

رونالد اینگلهارت^۸ در تبیین تفاوت‌ها در شکل و رفتار سیاسی، به اهمیت فرهنگ سیاسی توجه می‌کند، وی معتقد است، مردم جوامع گوناگون، براساس ایستارهای فرهنگی با دوام، که نتایج و پیامدهای سیاسی و اقتصادی مهمی دارند، مشخص می‌شوند. اینگلهارت پس از آلموند و وربا، بیشترین تأثیر را در طرح اهمیت رویکرد فرهنگ سیاسی داشته است.

از نظر اینگلهارت غفلت از بعد ذهنی سیاست (فرهنگ سیاسی) ما را در یک چرخه تکراری یا تکرار تاریخ اسیر می‌کند، بدون این که موفق به ایجاد یک تحول واقعی شویم. به این معنا که اگر ساختار سیاسی را نوسازی نماییم، اما فرهنگ سیاسی در شکل کهنه خود باقی مانده باشد، در نهایت یا بحران ایجاد می‌شود و یا ساختار سیاسی به جهت‌گیری سیاسی گذشته سوق می‌یابد. بنابراین مهم‌ترین اقدام برای حفظ و جلوگیری از فرایند توسعه سیاسی و دموکراتیزه شدن، ایجاد هماهنگی میان فرهنگ سیاسی و ساختار سیاسی و نیز مطالعه دقیق فرهنگ سیاسی این مناطق - خاورمیانه - می‌باشد.

^۷-Authoritarianism

^۸-Ronald Inglehart

۳-۱- اهمیت موضوع

نقش فرهنگ سیاسی در شکل‌گیری نظام‌های سیاسی و رفتار سیاسی کشورها، از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. امروزه این مفهوم به عنوان رهیافتی بنیادین برای شناخت و پیش‌بینی شکل نظام‌های سیاسی و رفتار سیاسی کشورها از اهمیت بسیاری برخوردار شده است، رویکردی که در عصر جهانی شدن و کشف اهمیت و ظرفیت فرهنگ در عرصه روابط بین‌الملل و توسعه، وظیفه‌ی تعیین‌کننده‌ی بر دوش دارد.

اگر فرهنگ سیاسی را به معنای «نظام درونی شده در زمینه‌ی باورها، تصورات، احساسات و ارزیابی‌های مردم یک جامعه یا اکثر آن‌ها بدانیم» قادر خواهیم بود که نظام سیاسی کشورها و همین‌طور رفتار سیاسی سیاست‌مداران آن‌ها را شناخته و یا پیش‌بینی کنیم. مطالعه‌ی ساختارهای سیاسی کشورها و روند توسعه‌ی سیاسی و دموکراسی در آن‌ها، بدون فهم فرهنگ سیاسی آن‌ها، مطالعه‌ی بی‌نتیجه است.

بنابراین، روند و فرایند توسعه‌ی سیاسی و دموکراسی خاورمیانه بدون مطالعه فرهنگ سیاسی این جوامع کاری عبث است.

۴-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش فرهنگ سیاسی و ارزش‌های دینی و قومی و ملی و نگرش‌های سنتی در روند و جریان توسعه‌ی سیاسی خاورمیانه می‌باشد.

۵-۱- پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش هرچند تکثر و منابع متعددی وجود دارند اما در یک نگرش کلی می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

مرادعلی صدوقی (۱۳۸۱) در تحقیقات انجام شده تحت عنوان «چشم‌انداز جهانی شدن در منطقه خاورمیانه» به این نتیجه رسیده است که خاورمیانه دارای سنت‌ها و پادشاهی مرکزی قوی با رهبران سیاسی مسن است، که این باعث شده است تا میل به آزادسازی اقتصادی و بسته بودن

حوزه سیاست، حکومت و نهادهای سیاسی (اقتدارگرایی) به وجود آید. براین اساس، بنیادگرایی اسلامی، ارزش‌های سنتی و فرهنگ سیاسی تثبیت شده و ناآرامی داخلی از مهم‌ترین چالش‌های این منطقه است.

مارتین^۹ (۱۳۸۳) در کتابی تحت عنوان «مرزهای نوین در امنیت خاورمیانه» این مطلب را بیان می‌کند که در حال حاضر پدیداری مسایلی چون جهانی شدن، جنبش‌های اجتماعی، حرکت‌های تروریستی و ضدتروریستی و شکاف بین جوامع و دولت‌ها باعث شده است تا: ۱- ثبات و توسعه با بی‌ثباتی و سلطه جایگزین شود ۲- دولت‌های حاکم به جای پتانسیل‌های جهانی و مدنی به تشکیلات خودی و امنیتی تکیه کنند.

یعقوب احمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ سیاسی جوامع اسلامی با تأکید بر بررسی وضعیت ارزش‌های رهاينده» به دو نتیجه دست یافته است: ۱- فرهنگ سیاسی در کشورهای اسلامی را متغیر دانسته و آن‌ها را در سه رتبه طبقه‌بندی می‌کند: در رتبه نخست کشور ترکیه، دسته دوم: کشورهای عراق و ایران و در دسته سوم مصر، مالی و اردن قرار می‌گیرند که شدت تفاوت ارزش‌های آنان با کشورهای دموکراتیک بیشتر است. ۲- مسیر دموکراسی در کشورهای اسلامی امری ممکن اما متنوع، پیچیده و تأمل برانگیز است.

محمدحسین حافظیان (۱۳۸۹) در مقاله «آینده توسعه خاورمیانه: چالش‌ها و چشم‌اندازها» بیان می‌کند که در منطقه خاورمیانه رویکردها و رفتار افراد قدرتمند در وضعیت عدم نهادینگی تحولات سیاسی و عقب ماندگی منطقه خاورمیانه از روندهای مسلط جهانی هم در زمینه اقتصادی و هم به ویژه سیاسی نقش اساسی دارد و نتیجه می‌گیرد که پیش شرط دستیابی به توسعه پایدار در منطقه، دموکراتیک شدن همه کشورها و پذیرفتن نظام اقتصادی بازار آزاد است.

سید عبدالعلی قوام (۱۳۸۸) در کتاب «چالش‌های توسعه سیاسی» در گفتار ۶ بیان می‌کند که عدم شناخت کافی در باب ارزش‌ها، نمادها و نظام اعتقادی در جهت نیل به توسعه سیاسی سبب

^۹- Martin

می‌شود تا بخش‌هایی از فرهنگ را که میل به سیاسی شدن ندارند، «سیاست‌زده» کنیم که در این صورت نظام سیاسی با بحران فزاینده‌ی انتظارات و پاسخ‌گویی مواجه خواهد شد. از طرفی، اگر عناصری از فرهنگ را که گرایش به سیاسی شدن دارند، به حالت «غیرسیاسی» رها کنیم، در این صورت، از امکانات بالقوه‌ی فرهنگی برای تقویت مشارکت سیاسی بهره‌نبرده ایم و قابلیت‌های استخراجی سیاسی و فرهنگی جامعه بدون استفاده خواهد ماند که در بلندمدت از کارایی نظام سیاسی در جهت دموکراسی خواهد کاست.

سیونگ‌یو¹⁰ (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی ایران و کره» فرهنگ سیاسی را مهم‌ترین مانع توسعه سیاسی و دموکراتیک در ایران و کره می‌داند و نتیجه‌می‌گیرد که نگرش سنتی درباره‌ی مشارکت و رقابت سیاسی هنوز در میان مردم ولایت سیاسی دو کشور حاکم است.

لوسین پای¹¹ (۱۳۷۰) در کتاب «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی» می‌نویسد: سیاست به نحوی عمیق در نبوغ بومی هر ملتی ریشه دارد و از این جهت پیوستگی سنت‌های سیاسی مختلف، دائماً بر نیروهای گوناگون و فعال در قلمروهای اقتصادی و اجتماعی زندگی نوین فشار وارد می‌آورد. به بیان پای در هیچ جامعه‌ای یک فرهنگ سیاسی واحد و یکپارچه وجود ندارد و در همه احزاب تمایز بنیادی میان فرهنگ حاکمان و قدرتمندان و فرهنگ توده‌ها وجود دارد. از دیدگاه پای، مشکلات توسعه از نگاه فرهنگ سیاسی کمتر با حذف آشکار الگوها و ارزش‌های کهنه و بیشتر با کشف موفقیت‌آمیز چگونگی مشارکت و سهم سنت‌ها در تحقق اهداف ملی ارتباط دارد.

قالیباف خراسانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ سیاسی» رویکرد مغفول غرب در سناریوسازی انقلاب‌های خاورمیانه» بیان می‌کند که فرهنگ وارداتی غرب مانع برقراری نظام دموکراتیک مطابق فرهنگ اسلامی در خاورمیانه شده است و نتیجه‌می‌گیرد که شکل نظام‌های آینده از نظام مردم‌سالار دینی خارج نیست، زیرا فرهنگ سیاسی اسلامی غالب بر کشورهای خاورمیانه

¹⁰-Seong Yoo

¹¹-Lucian Pye

است.

سیونگ یو (۲۰۰۲) در کتاب «نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی ایرانیان» فرهنگ سیاسی سنتی را عمده ترین عامل بازدارنده توسعه سیاسی دموکراتیک می‌داند. از نظر مؤلف فرهنگ سیاسی از چنان ثباتی برخوردار است که ماهیت آن یعنی «فرهنگ حکمرانی ایرانی» طی قرن ها و سلسله‌های پادشاهی همچنان باقی مانده است و انقلاب اسلامی ایران را نیز ناتوان از ایجاد تغییر و معرفی جایگزینی برای این فرهنگ می‌داند.

دکتر اخوان کاظمی (۱۳۷۷) در مقاله‌ی «توسعه سیاسی و جامعه مدنی» استدلال می‌کند که توسعه سیاسی با موجودیت و کارآمدی جامعه مدنی ارتباط تنگاتنگ دارد و به ویژه مشارکت سیاسی مؤثر و واقعی که از ارکان عمده توسعه سیاسی محسوب می‌گردد، جز در سایه‌ی تحقق جامعه مدنی نهادینه شده و مقتدر رخ نخواهد نمود. در نهایت نتیجه می‌گیرد که جامعه مدنی برآمده از فرهنگ سیاسی مدرن و نهادینه شده در جامعه است و با فرهنگ سیاسی سنتی و ارزشی در تعارض است.

روشن چشم (۱۳۹۲) در پایان نامه خود با عنوان «رویکرد پست مدرن به معضل امنیتی منطقه خاورمیانه» نتیجه می‌گیرد که معضل در هویت در عرصه پست مدرن منجر به مفصل‌بندی جدید از گفتمان امنیت می‌شود که این شکل از گفتمان امنیت نه در منازعه میان هویت ها، بلکه امنیت زدایی از هویت را منجر خواهد شد.

محمدرضاحاتمی (۱۳۹۰) در مقاله «تحولات و ساختار منطقه خاورمیانه» بیان می‌کند که روش‌ها و تاکتیک‌هایی که در قبال این منطقه برمی‌گزینند، باید متناسب با ساختار متغیر خاورمیانه باشد و نتیجه می‌گیرد که حوادث و تغییر و تحولات سال‌های کنونی، نظم قدیم خاورمیانه را نابود کرده، بدون آنکه جایگزینی برای آن ایجاد کند. طرح‌ها و برنامه‌های بازیگران خارجی و منطقه‌ای به نتیجه نرسیده است و رقابت در میان قدرت‌های رقیب هم‌چنان در سال‌های آینده ادامه خواهد داشت.

محمود سریع القلم (۱۳۷۹) در مقاله «چشم‌انداز از جامعه مدنی در خاورمیانه: تحلیل موانع فرهنگی» بیان می‌کند که اکثریت جوامع خاورمیانه‌ای بر مبنای سنت‌هایی کاملاً متفاوت با اصول جامعه

مدنی زندگی و فکر می‌کنند و رسیدن به جامعه مدنی مستلزم تعهد پایدار و به طور مداوم توسعه یافته است و برای برداشتن موانع فرهنگی وجود یک نیروی محرکه اقتصادی و سیاسی قدرتمند بومی یک ضرورت تلقی می‌شود.

۶-۱- سؤال اصلی پژوهش

سؤال اصلی پژوهش این است که چه رابطه‌ای میان فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در خاورمیانه وجود دارد؟

۷-۱- سؤالات فرعی:

۱. منظور از فرهنگ سیاسی چیست؟
۲. توسعه سیاسی و محورهای آن کدام هستند؟
۳. مسائل سیاسی خاورمیانه چگونه شکل گرفته است؟
۴. منازعات خاورمیانه و سیاست در آن از چه ویژگی برخوردار است؟
۵. فرهنگ سیاسی خاورمیانه از چه ویژگی برخوردار است؟
۶. توسعه سیاسی در خاورمیانه چه مسیری را طی نموده است؟

۸-۱- مفروض

توسعه سیاسی جوامع همواره تابعی از فرهنگ سیاسی آن به شمار می‌رود.

۹-۱- فرضیات پژوهش

۱-۹-۱- فرضیه اصلی:

فرضیه اصلی پژوهش بیانگر این است که فرهنگ سیاسی رابطه معنی داری با توسعه سیاسی دارد.

۲-۹-۱- فرضیات فرعی:

فرهنگ سیاسی به معنای طرز تلقی مردم و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن است.

توسعه سیاسی به معنای دموکراتیک شدن و افزایش مشارکت در یک جامعه می باشد. خاورمیانه از همان ابتدا به عنوان یک منطقه نظامی که شامل حکومت های نظامی است، تعریف گردیده است.

منازعات خاورمیانه و فرآیند سیاسی در آن ناشی از گسل های قومی-مذهبی است. فرهنگ سیاسی خاورمیانه متأثر از ساختار طبقاتی و فرهنگی - مذهبی است. توسعه سیاسی در خاورمیانه از نظام پاتریمونیال در حال تبدیل شدن به نظم دموکراتیک می باشد.

۱۰-۱- مفاهیم کلیدی

تعریف خاورمیانه^۱: پیرامون چیستی خاورمیانه و خاورمیانه شناسی تاکنون ده ها تعریف و نظریه پردازی علمی، کلاسیک یا سیاسی و روزنامه ای از سوی محققان و پژوهشگران دانشگاهی، دیپلمات ها و روزنامه نگاران مطرح ارائه شده است. اگر چه افکار عمومی جامعه بین المللی کمتر از یک قرن است که با اهمیت این منطقه و جایگاه اصلی و راهبردی خاورمیانه در جغرافیای سیاسی و ثروت جهانی آن آگاه شده است، اما در این عمر کوتاه نیز خاورمیانه توانسته بیش از هر منطقه استراتژیک دیگر در دنیا کانون نخست توجهات بین المللی را معطوف به خود سازد.

تعریف دقیق خاورمیانه به راحتی امکان پذیر نیست. جرج لنجافسکی^۲ افغانستان را جزء خاورمیانه برمی شمارد. این در حالی است که سایر پژوهشگران این مسأله را مورد تأیید قرار نمی دهند. در صورتی که این کشورها جزء خاورمیانه هستند و در این مورد اتفاق نظر وجود دارد. بوزان^۳، کشورهای آفریقا شامل الجزایر، تونس و مغرب را نیز جزء خاورمیانه به شمار می آورد. درایسدل^۴ و بلیک^۵ کشورهای الجزایر، تونس و مراکش را جزء خاورمیانه محسوب نمی کند و آن را را جزء شمال آفریقا می دانند (جعفری ولندانی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵). این در حالی است که خاورمیانه بیش

1-Middle East

2- George Lnjafsky

3- Buzan

4- Draysdl

5- Blake

از آنکه با منطقه جغرافیایی همخوانی داشته باشد، منطقه‌ای امنیتی شده با موقعیت استراتژیکی و منابع طبیعی شناخته شده است.

بعد از فروپاشی شوروی عده ای صحبت از « خاورمیانه جدید» کرده‌اند. آنان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را جزء خاورمیانه به شمار می‌آورند. اصطلاح خاورمیانه برای اولین بار توسط آلفرد تایرماهان^۱ در سال ۱۹۰۲ مورد استفاده قرار گرفت. منظور وی منطقه‌ای بود در میان خاور دور و خاور نزدیک که جزء هیچ کدام به شمار نمی‌آمد. (همان)

تعریف فرهنگ: تعریف تایلر که در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی آمده به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.

تعریف فرهنگ سیاسی^۲: حیات اجتماعی مفهوم خود را از برداشته‌های فردی افراد و انسان‌ها کسب می‌کند. این برداشت‌ها به تدریج معیارهای جمعی را پدید می‌آورند. فرهنگ عبارت است از باورها، ارزش‌ها و تعبیر مختلفی که این معیارها پدید می‌آورند. از آنجایی که انسان‌ها متفاوت می‌باشند، باورها و ارزش‌های خاص آنان در یک روند تعاملی قرار دارد، ولی همه آن‌ها در قالب یک مفهوم مشترک، یعنی فرهنگ، مورد تعبیر و شناخت است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶).

هر فرهنگ از بخشهای گوناگون تشکیل شده است که در سطح وسیعی در یک جامعه انسانی گسترده می‌شوند. هر جامعه انسانی مفاهیمی را در نهادها، هنر، اندیشه، و دانش ارایه می‌دهد که در اصل این مفاهیم و هنجارها و ارزش‌های هر جامعه انسانی هستند که به مردم جامعه ابلاغ شده و یا توسط مردم خلق می‌شوند. اگر چه این تعبیر در طول تاریخ دگرگون شده‌اند، ولی برخی از آنان را می‌توان به عنوان کارکرد ثابت جوامع در نظر گرفت. ساده‌ترین نوع این تعبیر را می‌توان در تعبیر از نوع رابطه دانست، نوع رابطه‌ای که انسان‌ها با یکدیگر دارند و به همان نسبت، نوع رابطه‌ای که میان

^۱-Alfred Mahan tire

^۲-Political Culture